خبر

ورود سامانه سرما به گلستان

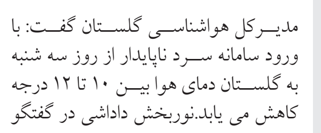

مدیرکل هواشناسی گلستان گفت: با ورود سامانه سرد ناپایدار از روز سه شنبه به گلستان دمای هوا بین ۱۰ تا ۱۲ درجه کاهش می یابد.نوربخش داداشی در گفتگو با مهر اظهار کرد: بر اساس خروجی مدل های عددی پیش بینی می شود از روز سه شنبه سامانه سرد ناپایدار به استان نفوذ می کند.وی افزود: رگبار، رعد و برق، وزش باد شدید گاهی تا بیش از ۷۰ کیلومتر بر ساعت، طوفانی شدن دریا، بارش برف در ارتفاعات و مه آلودگی از پیامدهای این سامانه ناپایدار است.مدیرکل هواشناسی گلستان با بیان اینکه با شروع فعالیت این سامانه دمای هوا بین ۱۰ تا ۱۲ درجه در استان کاهش خواهد یافت، گفت: این سامانه تا روز چهارشنبه در استان فعال خواهد بود.داداشی از ثبت رکورد جدید دمایی در دو ایستگاه گلستان خبر داد و افزود: میانگین دمای هوای دی ۹۷ نسبت به میانگین دوره آماری در همه ایستگاه های استان افزایش ۱.۳ درجه سانتیگراد داشته است.وی ادامه داد: ایستگاه بندرگز با ۲۸.۳ درجه سانتیگراد و فرودگاه گرگان با ۳.۱- درجه سانتیگراد به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین دمای ثبت شده در دی ۱۳۹۷ را داشته‌اند.داداشی گفت: همچنین در دو ایستگاه بندرگز و مینودشت رکورد جدید حداکثر دمای روزانه در دی ماه ۹۷ ثبت شده است.

۳۷ پروژه اشتغالزایی و اقتصادی در بندرگز افتتاح و کلنگ زنی می شود

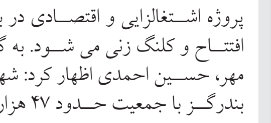

فرماندار بندرگز گفت: در دهه فجر ۳۷ پروژه اشتغالزایی و اقتصادی در بندرگز افتتاح و کلنگ زنی می شود. به گزارش مهر، حسین احمدی اظهار کرد: شهرستان بندرگز با جمعیت حدود ۴۷ هزار نفر و ۲۴ روستا در ورودی استان واقع شده و این یک امتیاز برای این شهرستان است.وی با بیان این که ساحل زیبا، آبشار، جنگل های دیدنی از نقاط گردشگری ما است، ادامه داد: با صحبت های اولیه با مدیران کل راهداری گلستان و مازندران ساخت راه قورقوری در آینده نزدیک شروع خواهد شد. وی با اشاره به این که شهرک بندرگز یکی از سه شهرک بزرگ استان است، اضافه کرد: با تأکیدات استاندار و همت برخی از ادارات خدمات رسان پنج واحد صنعتی را به چرخه اشتغال برگرداندیم.وی گفت: ماهیت استان کشاورزی است و بیش از ۱۲ هزار هکتار اراضی در بندرگز داریم که بیش از ۴۰ درصد آن باغی است. احمدی بیان کرد: صنایع تبدیلی اگر در شهرستان ایجاد شود می تواند به رشد و توسعه استان کمک کند.وی تأکید کرد: ۳۷ پروژه اقتصادی و اشتغالزایی با اعتبار ۱۰ میلیارد تومان و اشتغالزایی ۸۷ نفر کلنگ زنی یا افتتاح می شود که زنبورداری، سورتینگ کارخانه ها، بومگردی، صنایع دستی و غیره است. احمدی گفت: همچنین بالغ بر ۶۹ پروژه عمرانی با اعتباری ۱۹ و نیم میلیارد تومان که شامل لایروبی رودخانه ها، توسعه پورت های ای دی اس ال، احداث جاده بین مزارع روستایی، کمک به اجرای طرح های هادی روستایی، افتتاح مدرسه گز غربی و غیره است، افتتاح و یا کلنگ زنی می شود.وی با بیان این که هزار و ۵۰۰ هکتار اراضی در حال زهکشی است، تصریح کرد: جاده سلامت در نوار ساحلی نوکنده و بندرگز احداث می شود.فرماندار بندرگز خاطرنشان کرد: ۳۰۰ برنامه در دهه فجر در بندرگز اجرا می شود که شامل افتتاح کارخانه، اقامتگاه ها، تجلیل از خانواده های شهدا انقلاب، یادواره شهدا و غیره است.وی همچنین از فعال بودن بیمارستان چشم بندرگز خبر داد و گفت: روزی ۱۵ الی ۲۰ عمل چشم در بندرگز انجام می شود.

مفقودی

کارت عضویت اتاق بازرگانی به شماره ۲۱۲۱۹۶۶۹۵۱ متعلق به لیلا حاجی صفری فرزند اسمعیل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

موزه روستایی گلستان سال ۹۸ افتتاح می شود

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان گفت: با تصویب اعتبار در سفر رئیس جمهور به گلستان موزه روستایی گلستان سال ۹۸ افتتاح می شود.ابراهیم کریمی اظهار کرد: دغدغه اصلی در مورد موزه روستایی قرق تزریق قطره چکانی اعتبارات بود. وی با بیان این که موزه روستایی قرق از مصوبات سفر دولت احمدی نژاد به گلستان بوده، افزود: تامین منابع و تخصیص های این پروژه پائین بود و برای نتیجه گیری مطلوب همیشه با چالش مواجه بودیم. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان ادامه داد: تا قبل از سفر رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی به گلستان این پروژه ردیف اعتباری مشخص نداشت اما با تلاش های انجام شده این پروژه جزو مصوبات سفر قرار گرفت و برای آن تعریف کد، ردیف اعتباری و ... مشخص شد. وی از تصویب هفت میلیارد تومان اعتبار در سفر رئیس جمهور به گلستان برای موزه روستایی قرق خبر داد و

گفت: حُسن مصوبات سفر این است که ۱۰۰ درصد مصوبات تخصیص می یابد و تلاش می کنیم سال آینده این پروژه را افتتاح کنیم.کریمی ادامه داد: تاکنون واچینی و انتقال سه خانه روستایی به موزه روستایی قرق انجام شده و در سال ۹۷ و ۹۸ دوباره چینی این سه خانه انجام می شود.وی با این توضیح که منتظر تکمیل پروژه موزه روستایی نمی شویم، تصریح کرد: ۷۰۰ هکتار از اراضی جنگلی برای ایجاد این پروژه صورتجلسه شده و با تخصیص اعتبارات سفر فاز نخست موزه روستایی قرق سال بعد افتتاح می شود. مدیرکل میراث فرهنگی گلستان همچنین از تصویب ۷۰ میلیارد تومان اعتبار برای پروژه آشوراده خبر داد و بیان کرد: طرح گردشگری آشوراده وعده سفر قبلی رئیس جمهور به گلستان بود اما یک ریال ردیف اعتباری نداشت.وی اضافه کرد: در سفر اخیر دکتر روحانی به گلستان اعتبار ۷۰ میلیارد تومانی مصوب شده و با تخصیص آن در فاز نخست زیرساخت های مربوط به حوزه سایت پشتیبان و راه دسترسی آشوراده ایجاد می شود.کریمی خاطرنشان کرد: مراحل اجرایی طرح گردشگری آشوراده در حال انجام است و کار آن هم به موقع شروع می شود.

۵۴واحد صنعتی در گلستان احیا شد

مدیرکل صمت گلستان با بیان این که ۵۴ واحد صنعتی در گلستان احیا شد، از کسب رتبه دوم در پرداخت تسهیلات رونق اشتغال در کشور خبر داد.به گزارش مهر، حسینقلی قوانلو اظهار کرد: اطلاع رسانی در شرایط حساس کنونی جامعه به دلیل جنگ اقتصادی و روانی که دشمن به راه انداخت بسیار مهم است.وی افزود: باید امید را به جامعه تزریق کنیم زیرا تمام برنامه شبکه ها دشمنان طوری نشان می دهند که گویی در نظام کاری انجام نشده است لذا وظیفه داریم که دستاوردها را در جامعه پررنگ کنیم.قوانلو گفت: ۱۳ برنامه در دهه فجر برنامه مصوب داریم که همایش تبیین نقش بازاریان و صنعتگران در پیدایش انقلاب، جشن سالگرد پیروزی انقلاب در کلاله با دعوت از اهل تسنن و تشیع، همایش صنایع پیشرفته، تبیین نقش جایگاه مدیریت جهادی در برابر تحریم ها، همایش چهار دهه صادرات غیرنفتی، جشن مردمی با کمک اتاق اصناف، گرامیداشت شهدای اصناف در بندرترکمن، دیدار با خانواده های شهدا و معرفی ۴۰ واحد صنعتی و بزرگ بعد از انقلاب از جمله برنامه های چهلمین سالگرد انقلاب است.وی بیان کرد: در گذشته صنایع ما محدود بود و تنها ۱۳ واحد پنبه پاک کنی داشتیم که بعد از انقلاب هزار واحد در بخش صنعت فعال شدند و ۴۰۰ واحد در بخش صنایع تبدیلی فعالیت خود را آغاز کرد. قوانلو گفت: برنامه های افتتاحیه دهه فجر داشتیم که با سفر رئیس جمهور جلو افتاد و ۳۱ واحد صنعتی با ۳۴۷ میلیارد تومان افتتاح شد.وی ادامه داد: در سال ۹۶ و ۹۷ حدود ۵۴ واحد صنعتی ما با اشتغال ۸۸۴ نفری احیا شد.قوانلو گفت: از استان های موفق در کارگروه موانع رفع در سال ۹۵ بودیم و حدود ۷۲۶ میلیارد تومان تسهیلات را به ۷۰۰ واحد صنعتی پرداخت کردیم.وی ادامه داد: در سال ۹۶ با ۹۴۳ میلیارد تومان توانستیم رتبه چهارم را به دست آوریم و طی امسال با پرداخت ۵۵۳ میلیارد تومان رتبه دوم را در پرداخت تسهیلات رونق تولید داریم.قوانلو گفت: میانگین نرخ بیکاری ما در بهار چهار درصد، در تابستان سه درصد و پاییز ۲.۵ درصد است که شاهد کاهش نرخ بیکاری هستیم.قوانلو نرخ بیکاری استان را در ۹ ماهه جاری تک رقمی عنوان کرد و افزود: طی ۹ ماه امسال نرخ بیکاری استان زیر ۱۰ درصد و به ۹.۸ درصد رسیده است.وی تصریح کرد: ۲۲۱ میلیون دلار صادرات از گمرکات استان در ۱۰ ماهه داشتیم که رشد ۵۵ درصدی را نشان می‌دهد.قوانلو گفت: در بهره برداری واحدهای صنعتی ۵۴۷ میلیارد تومان سرمایه گذاری بخش صنعت استان به بهره برداری رسیده است. وی خاطرنشان کرد: ۱۰۰ میلیارد تومان طرح تا پایان سال در بخش صنعت به بهره برداری می رسد.

وقوع ۴۶ قتل طی ۹ ماه در گلستان

فرمانده انتظامی گلستان از وقوع ۴۶ فقره قتل طی ۹ ماه در استان خبر داد و گفت: سه درصد قتل های کشور در گلستان رخ می دهد. به گزارش مهر، سردار علی اکبر جاویدان در نشست خبری که با اصحاب رسانه به مناسبت فرا رسیدن ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی برگزار شده بود، به ارائه عملکرد ۱۰ ماه فرماندهی انتظامی استان در حوزه های مختلف پرداخت. وی با اشاره به آمار سیمای جرائم که توسط ستاد فرماندهی مرکزی طی ۹ ماه اخیر به دست آمده است، اظهار کرد: هر سه ماه یکبار عملکرد مراکز فرماندهی استان ها توسط ستاد مرکزی در تهران بررسی و رتبه بندی در قسمت های مختلف تحت عنوان سیمای جرائم اعلام می شود. جاویدان گفت: طبق این آمار ارائه شده طی ۹ ماه گذشته ۷۰ درصد کل سرقت های گلستان، خرد و ۳۰ درصد سرقت مهم بوده است.وی اظهار کرد: ۱.۴ درصد کل سرقت های کشور در استان گلستان رخ می دهد و از این نظر رتبه ۱۷ کشور را دارا هستیم.فرمانده انتظامی گلستان گفت: طی ۹ ماه گذشته ۴۶ فقره قتل در استان رخ داده که طبق این آمار سه درصد از قتل های کشور در گلستان رخ می دهد.جاویدان با بیان اینکه گلستان رتبه ۱۰ کشفیات مواد مخدر در کشور را داراست، گفت: گلستان به لحاظ افزایش میزان کشف مواد مخدر رتبه نخست کشوری را به دست آورده است.فرمانده انتظامی گلستان گفت: طی ۱۰ ماه گذشته ۱۳ تُن و ۸۳۳ کیلوگرم مواد مخدر در سطح کشور داشته ایم که این آمار در مقایسه با سال گذشته رشد ۱۴۱ درصدی داشته است.وی افزود:

از این آمار ۹ تن و ۵۱۱ کیلو مربوط به کشف تریاک و یک تن و ۸۴۴ کیلوگرم مربوط به حشیش است.جاویدان گفت: آمار کشفیات گلستان در حوزه مواد مخدر در ۱۰ ماه گذشته از آمار کشفیات مواد مخدر طی چهار سال گذشته بیشتر بوده و مهمترین علت در رسیدن به این امر اشرافیت کامل به هدف ها بوده است.فرمانده انتظامی گلستان افزود: در این ایام ۹۲ قاچاقچی اصلی، ۲۵۷ نفر عناصر وابسته و پنج هزار و ۱۱۷ نفر از معتادین دستگیر شده اند.وی ادامه داد: ۱۴ دستگاه خودروی سنگین، ۱۱۶ خودروی سبک، ۳۸ دستگاه موتور سیکلت و هفت قبضه اسلحه در این ایام کشف شده است.جاویدان اظهار کرد: در حوزه پاکسازی مواد مخدر ۶۴۲ عملیات انجام شده است و از آموزش و پرورش برای اهتمام به پاک سازی اطراف حوزه های آموزشی تشکر می کنم.وی از کشف ۶ فقره اختلاس در استان با مبلغ ۲۱ میلیارد تومان خبر داد و گفت: از این تعداد یک پرونده مربوط به اختلاس از مخابرات استان با مبلغ ۱۹ میلیارد تومان بود که توسط پیمانکار انجام شده بود، کشف شد.فرمانده انتظامی گلستان از افزایش ۹۸ درصدی کشف قاچاق طی ۱۰ ماه گذشته نسبت به سال گذشته خبر داد و افزود: طی این ایام ۳۱۸ میلیارد ریال قاچاق کشف شده که مواد غذایی، کالای خانگی، لوازم خانگی، لوازم آرایشی و... بیشترین کالاهای قاچاق را تشکیل می دهند.وی گفت: ۱۰۸ نفر از ارازل و اوباش استان توسط اداره اطلاعات طی ۱۰ ماه گذشته دستگیر شده اند.

بهره برداری ۲۲ طرح منابع طبیعی گلستان در دهه فجر

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان گفت که همزمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از ۲۲ پروژه و طرح منابع طبیعی این اداره کل با سرمایه گذاری افزون بر ۱۰۱ میلیارد ریال بهره برداری خواهد شد.ابوطالب قزلسفلو روز یکشنبه در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: از این تعداد، ۵ پروژه نهالکاری مناطق بیابانی در شهرستان های آزادشهر، آق قلا، گالیکش، گنبدکاووس و مراوه تپه، چهار پروژه هلالی آبگیر، ۲ پروژه جنگلکاری در مراوه تپه و کلاله و یک پروژه طرح ترسیب کربن در آزادشهر است.وی گفت: ۶ طرح سازه و ملات در بخش آبخیزداری، چهار طرح بند خاکی و یک طرح سازه گابیونی، دیگر طرح های آماده بهره برداری این اداره کل در دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی است.قزلسفلو کمک به تامین معیشت پایدار و ممانعت از مهاجرت روستاییان، مقابله با کانون های بحرانی گرد و غبار، کاهش بیابانزایی و ممانعت از فرسایش بادی، مدیریت سیلاب، کنترل فرسایش و رسوب و مقابله با چالش های بحران آب و تقویت آبخوان را از جمله اهداف اجرای پروژه ها و طرح های آبخیزداری استان برشمرد.گلستان به دلیل موقعیت جغرافیایی از مناطق در معرض حوادث طبیعی مختلف همچون سیل است که برای کاهش این آسیب ها، مدیریت حوضه های آبخیز در دستور کار قرار دارد.دراین استان با وسعت افزون بر ۲۰ هزار کیلومتر مربع، علاوه بر ۶۶۷ هزار هکتار زمین کشاورزی، ظرفیت هایی همچون ۳۰ هزار هکتار باغ، ۴۵۲ هزار و ۱۸۵ هکتار عرصه جنگلی، ۸۶۲ هزار و ۸۲۵ هکتار مرتع، ۱۲۰ کیلومتر ساحل، بیش از سه میلیون واحد دامی و ۹۷۰ واحد مرغداری وجود دارد.طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵ گلستان یک میلیون و ۸۶۹ هزار نفر جمعیت دارد که ۵۳,۲۷ درصد آنان ساکن مناطق شهری هستند و تامین معاش بیشتر مردم این خطه و بویژه روستاییان از طریق پرداختن به کشاورزی و دامپروری است.

اجرای مصوبات دولت بهره وری اراضی گلستان را بیشتر می کند

مدیر آب و خاک سازمان جهادکشاورزی گلستان گفت: اجرای کامل مصوبات سفر هیات دولت به استان، بهره وری بیشتر از اراضی، افزایش تولید و کاهش نیاز به منابع آب زیرزمینی را برای کشاورزی به ارمغان خواهد آورد. به گزارش ایرنا، تقی کمال غریبی اظهار داشت: اجرای روش های نوین آبیاری در ۱۵ هزار هکتار، زهکشی ۵۰ هزار هکتار از اراضی شوره زار و کم بازده، مرمت آب بندان ها، تجهیز و نوسازی اراضی ۷ شهرستان و انتقال آب اراضی شیب دار در یک هزار و ۷۰۰ هکتار، بخشی از مهم ترین مصوبات سفر کاروان دولت تدبیر و امید در بخش کشاورزی است. وی بیان کرد: اجرای کامل این مصوبات با تخصیص به موقع اعتبارات می تواند زمینه ساز رونق و تحولی بزرگ در کشاورزی استان و حرکت به سمت افزایش درآمد کشاورزان باشد. مدیر آب و خاک سازمان جهادکشاورزی گلستان همچنین بر لزوم اجرای روش های نوین برای آبیاری اراضی و کاهش مصرف غیرکارشناسانه آب اشاره کرد و گفت: از جمله برنامه های قابل بهره برداری در دهه فجر امسال، روش های نوین آبیاری در ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار با اعتبار ۴۰۰ میلیارد ریالی است. کمال غریبی ادامه داد: هم اکنون طرح آبیاری نوین تحت فشار در ۵ هزار و ۱۰۰ هکتار اراضی گلستان با اعتبار ۷۸۰ میلیارد ریالی در حال اجرا است. وی به برنامه دولت برای استفاده مطلوب و حداکثری از اراضی استان اشاره کرد و گفت: یکی از اقدامات مورد توجه دولت در این بخش، زهکشی زمین های شوره زار و کم بازده شمال گلستان است. مدیر آب و خاک سازمان جهادکشاورزی گلستان افزود: همزمان با دهه فجر امسال، بهره برداری از ۲۲ هزار هکتار زمین های زهکشی شده استان آغاز می شود که یکی از نتایج آن، افزایش بهره وری زمین ها و بیشتر شدن سطح تولید است. استان گلستان در قسمت شمالی خود ۲۸۰ هزار هکتار زمین های شوره زار و کم بازده دارد.طرح زهکشی ۲۸۰ هزار هکتار از زمین های مناطق شمالی گلستان نخستین بار در جریان سفر آذرماه ۹۳ دولت تدبیر و امید به استان با تصویب انجام ۲۲ هزار هکتار آن آغاز شد.اجرای این طرح مزایای زیادی از جمله بهبود وضعیت خاک، کنترل و رفع سیلاب های فصلی و روان آب ها، افزایش تولید و درآمد کشاورزان و متعاقب آن ایجاد اشتغال پایدار دارد.بهبود وضعیت اصلاح خاک، مهار خسارت های ناشی از سیل و بارندگی، بهبود معیشت کشاورزان، جلوگیری از مهاجرت روستاییان مناطق مرزی به شهرها و توقف ریزگردها را از دیگر مزایای اجرای کامل طرح زهکشی اراضی شوره زار مناطق شمالی استان گلستان برشمرد.به گفته کارشناسان با اجرای طرح زهکشی اراضی شمالی گلستان حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصد به تولید فعلی این اراضی اضافه شده که در مقیاس ۲۸۰ هزار هکتاری این طرح رقم درآمدی بالایی را نصیب کشاورزان منطقه که غالبا از اقشار کم درآمد استان هستند، می کند.مدیر اب و خاک سازمان جهادکشاورزی گلستان همچنین به دیگر طرح های قابل بهره برداری جهاد کشاورزی در دهه فجر اشاره کرد و گفت: احداث و بهسازی ۲۰۰ کیلومتر کانال آبیاری با اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد ریال، احداث و مرمت جاده بین مزارع به طول یک‌هزار و ۵۰۰ کیلومتر و اعتبار ۱۰۰ میلیارد ریال، یک هزار و ۴۸ هکتار تجهیز و نوسازی خشکه‌سازی با اعتباری ۴۷۷ میلیارد ریال از جمله پروژه های قابل بهره برداری این ایام است.

تصادف زنجیره ای در بندر ترکمن ۶ مصدوم برجای گذاشت

رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان بندرترکمن گفت: تصادف زنجیره ای در بندرترکمن ۶ مصدوم برجای گذاشت. مهدی جعفری در گفتگو با مهر اظهار کرد: حوالی ساعت ۲۳ روز جمعه تصادف زنجیره ای ۶ خودرو در محل چهارراه جعفری شهر بندرترکمن ۶ مصدوم برجای گذاشت.وی افزود: در این تصادف زنجیره ای سه خودروی پراید، یک دستگاه پژو ۲۰۶، یک دستگاه پژو ۴۰۵ و یک دستگاه ام وی ام دچار خسارت شدند. جعفری اظهار کرد: سه نفر از مصدومان این حادثه توسط جمعیت هلال احمر و سه مصدوم دیگر توسط اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند.

نجات جوان ۳۳ ساله گنبدی از پای چوبه‌دار

مدیر زندان گنبدکاووس گفت: زندانی که به جرم قتل عمد در زندان بود با رضایت شاکی از پای چوبه‌دار نجات یافت.به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل زندان‌های گلستان، عباس مختاری اظهار کرد: مددجویی که به جرم قتل عمد با حکم مراجع قضایی محکوم به قصاص نفس شده بود پس از سال‌ها انتظار در سحرگاه یکشنبه بخشیده شد.وی افزود: این جوان ۳۳ ساله زندانی که برای اجرای حکم قصاص در پای چوبه‌دار حاضر شد و در حالی که مرگ را در یک قدمی خود احساس می‌کرد، با تلاش و مداخله قضات، مدیر زندان گنبدکاووس، مددکاران و شورای حل اختلاف زندان بخشیده شد. مختاری گفت: خانواده مقتول با صرف نظر کردن از اجرای حکم، امید به زندگی مجدد را در شریان‌های این جوان محکوم به قصاص، جاری ساختند. وی از مادر و برادر مقتول به جهت این اقدام بزرگ تقدیر و تشکر و عنوان کرد: فرهنگ بخشش و گذشت همواره در منابع دینی ما به آن تاکید شده و در جامعه اسلامی ما نهادینه شده است.

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

اشتغال و کار آفرینی از مهم ترین دغدغه های بانوان است

سرپرست دفتر امور بانوان و خانواده استانداری گلستان گفت: اشتغال و کارآفرینی از مهم ترین دغدغه های بانوان است. به گزارش مهر، الهه غیناقی در نشست ستاد خبری چله انقلاب اسلامی اظهار کرد: مقایسه جایگاه زن در قبل و بعد از انقلاب نشان دهنده رشد و تعالی جایگاه زنان در جامعه است. وی افزود: در فرمانداری کارگروه بانوان دهه فجر تشکیل شد و برنامه های متعددی را در شهرستان ها در قالب همایش، جشنواره، دیدار، بازدید، برنامه فرهنگی و ورزشی که حدود ۲۳۰ برنامه است اجرا می کنیم. غیناقی گفت: نمایشگاه توانمندسازی بانوان که در زمینه اشتغال بانوان است در سراسر استان از ۹ تا ۲۳ بهمن در جنب تالار فخرالدین اجرا می شود. وی تصریح کرد: دیدار با خانواده شهدا و ایثارگران، کارگاه نقش زنان در انقلاب، مسابقات ورزشی ویژه بانوان، جشن های انقلاب در همه شهرستان ها، نشست با ۴۰ بانوی سیاسی اجتماعی در حوزه علمیه، نشست با سمن ها، نشست با کارشناسان و مشاوران فرمانداران استان، غبارروبی مزار شهدا، برگزاری کارگاه های متعدد در زمینه بانوان و کودکان از دیگر برنامه های ما در چله انقلاب است.غیناقی بیان کرد: همایش، جشن، تقدیر و تجلیل، ۱۶۰ کارگاه، ۲۵۰ برنامه تجلیل و تقدیر، ۳۴۰ برنامه اطلاع رسانی، ۵۲۰ دیدار، ۱۶۵ بازدید، ۶۰ مورد انتشارات، ۴۹۰ مورد برنامه های متفرقه و در مجموع دو هزار و ۲۹۰ برنامه دیده شده است. وی گفت: پیگیر بیمه قالی بافی هنرمندان استان هستیم و آسیب شناسی فعالیت های بانوان روستایی و برگزاری کلاس های آموزشی برای آن ها در دستور کار ما است. غیناقی گفت: دغدغه اصلی بانوان اشتغال و فروش محصولات و تولیدات بانوان است.

ممنوعیت خروج دام و طیور زنده از گلستان

دادستان عمومی و انقلاب مرکز گلستان از ممنوعیت خروج دام و طیور زنده از گلستان خبر داد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری کل گلستان، سیدرضا سیدحسینی اظهار کرد: کارگروه های مبارزه با گرانفروشی و احتکار در حوزه های قضایی سراسر استان تشکیل می شود. وی افزود: این کارگروه با ریاست دادستان های هر شهرستان و عضویت دستگاه های اجرایی متولی مانند سازمان صنعت معدن و تجارت تشکیل می شود. سیدحسینی ادامه داد: این کارگروه تیم های بازرسی تشکیل و به صورت مستمر بر مرحله توزیع کالاها در بازار نظارت می کنند و پرونده متخلفان را به دستگاه های مربوطه ارسال می کنند. دادستان مرکز استان همچنین از ممنوعیت خروج دام و طیور زنده از استان خبر داد و گفت: این اقدام به منظور کنترل قیمت و تامین نیاز استان صورت گرفته است.

خدمت در آتش نشانی به جای رفتن به زندان

رئیس کل دادگستری گلستان گفت: قاضی گالیکشی به جای زندان کردن راننده بی احتیاط وی را مکلف کرد تا در خدمات عمومی رایگان و فعالیت های اطفا حریق به مدت ۲۰۰ ساعت شرکت کند. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی دادگستری گلستان، هادی هاشمیان اظهار کرد: قاضی گالیکشی به جای زندان کردن راننده بی احتیاط وی را مکلف کرد تا در خدمات عمومی رایگان و فعالیت های اطفا حریق به مدت ۲۰۰ ساعت شرکت کند.وی افزود: این فرد در پی بی احتیاطی در رانندگی سبب مصدومیت فرد دیگری شده و در ابتدا به یک ماه حبس محکوم شد. هاشمیان خاطرنشان کرد: قاضی گالیکشی به جای زندان وی را مکلف کرد تا در خدمات عمومی رایگان و فعالیت های اطفا حریق به مدت ۲۰۰ ساعت شرکت داشته باشد. وی بیان کرد: اداره منابع طبیعی و واحد اجرای احکام کیفری شهرستان گالیکش بر اجرای این حکم نظارت می کنند.

داستان کوتاه

رز و علف هرز

جیمز ثربر / علی رایجی

توی یک باغچه روستایی، یک گل رز سرش را پایین آورد و به علف هرز معمولیی نگاه کرد و گفت، ‹تو مهمان ناخوانده ای هستی، ارزش اقتصادی نداری، و ظاهر زشتی هم داری. حتما شیطان عاشق علفهای هرز است که این همه مثل تو را کاشته است›.مهمان ناخوانده سرش را بالا برد و به رز نگاه کرد و گفت، ‹نیلوفرها بوی گند می دهند و از علفهای هرز هم خیلی بدبوترند. آن وقت می گویند احتمالا آنها فامیل رزها هستند›.رز با حالتی توهین آمیز و انگار که بهتر از علف هرز باشد، گفت، ‹اسم من دوروتی پرکینز است. ولی تو چی؟ اسمت یا خارشتر، یا پرپهن، یا پنیرک است. اسم علفهای هرز زشت است›. بعد بدن رز کمی لرزید اما هیچ کدام از گلبرگهایش نریخت.علف هرز جواب داد، ‹ما هم اسمهایی داریم که از پرکینز قشنگتر است. تازه، از نظر من حتی از دوروتی قشنگتر هم داریم، مثل آلاله، بابونه، یا شقایق›. بعد شاخه هایش را روی زمین گذاشت و کمی صاف ایستاد و گفت، ‹هر جایی که تو دربیایی، من بهتر از تو می‌توانم رشد کنم›.خانم پرکینز متکبر گفت، ‹فکر کنم تو کنگر باشی که هر جا می رسی لنگر می‌اندازی، و هر چیزی را که مال تو نیست صاحب می شوی، مثل باران و آفتاب و خاک خوب›.علف هرز لبخندی علف هرزی زد و گفت، ‹حداقل فامیل گلهای بالارو نیستم که مثل دزدها از هر دیواری بالا می روند›.بعد رز سرش را بلند کرد و تمام قد ایستاد و گفت، ‹بهتر است بدانی رزها نماد ملی هستند. ما گل ترانه و داستانها هستیم›. علف هرز جواب داد، ‹و گل جنگ. باد ملایم راحت پرپرت می‌کند و زیباییت را از بین می برد. من بارها این اتفاق را دیده ام. هیچکس رزهایی را که سالهای قبل اینجا بودند، یادش نیست›.رز گفت، ‹شکسپیر از ما یاد کرده است. خیلی جاها در خیلی از نمایشنامه هایش. اگرچه فکر نکنم چندان سردربیاوری، برایت چند خطی را می‌خوانم›.همان موقع، قبل از این که خانم پرکینز چیزی بگوید، بادی سریع، مثل سلحشوران جنگی، از غرب آمد، و ناگهان تکبر زیبای دوروتی پرکینز تبدیل به گلبرگهای پراکنده، بدون ارزش اقتصادی، و ظاهری زشت شد. علف هرز محکم ایستاد و سرش را طرف باد گرفت، مثل مبارزی جنگی، چیزی که خودش فکر می‌کرد هست، قوی و مقاوم. اما همین که چند تا از گلبرگهای رز را از روی برگهایش کنار زد، باغبان سر رسید و او را با ریشه از زمین درآورد. این اتفاق خیلی سریع افتاد، آن قدر سریع که فرصت نکنید بگویید دوروتی پرکینز یا آلاله.نکته اخلاقی: همه چیز، همان طور که فیلسوفان فرانسوی خیلی قبلتر از ما گفته اند، گذراست.

شعر

فروغ بختیاریان

صدا که به وقت تو درد می‌کند
صدا که برای تو حرف نمی‌زند
صدا که با هزاران سکوت
به در کلید می‌اندازد
صدا که خوابگردی خیابانی است
و مرا به دنبال بیداری می‌کشاند
مشت به دیوار می‌زند
و از میان عبورهایش تنم ترک برمی‌دارد.
در فرو می‌ریزد
دیوار فرو می‌ریزد
خیابان فرو می‌ریزد
و من که
در پیراهنم دفن می‌شوم
و گام‌هایم مردند
که راه بردارند
و دوباره تابم بدهند به دور زمین
به دور حدود
حدود عریانی
حدود صدا
حدود بغض
که گریستن را خندیدیم
و خندیدن را گریستیم
و حدود دیدن را این‌گونه خواسته‌اند!
از این است
که آخرین‌بار
دست‌هایم را
در خنزرهای دوره‌گردی کهن‌سال دیده‌ام
از این است
که هربار خواستم بگویم
دیدم دهانم را جایی گم کرده‌ام
که هر روز غروب
فقدان نامی در دهانم درد می‌کند
و فقدان چیزهای زیادی که نمی‌دانم
و قرص‌های متفاوتی برایشان تجویز می‌کنند.
اگر حدود صدا را ندانی
اگر حدود بغض را ندانی
اگر حدود عریانی را ندانی
آنگاه با انگشت‌هایی اشاره نشانت می‌دهند
که با مفاد سازمان حقوق بشر
محکومت کنند.

تأملی بر داستان بلند تخم پوچ نوشته ی ناهید شمس

خود در مسیر تخم پوچ!

احمد عدنانی پور

بسیاری از نظریه پردازان معاصر بر این باورند که اندیشه و نیز ساختار سوبژکتیویته تابعی از مکان شناسی روانی نیست، بلکه تابعی از مجازها در حوزه زبان شناختی ست. بدین ترتیب نگاه و بیان اول شخص معرف «خود» است. منظور از «خود»آن چیزی ست که در داستان؛ همچون فرم این همانی عمل می کند. از این رو انتخاب زاویه دید اول شخص، نخستین نمود «خود» در داستان تخم پوچ به حساب می آید. منظری که از یک سو به نظامهای گوناگونی از مجازها و آرایه های ادبی شکل می دهد و از سویی دیگر امکان نهایی اش را به عنوان نمودی پایدار از بین می برد. از این رو مساله اساسی در نمودهای خود معرف تشکیل و ابقاء به واسطه کنایه های بیانی ست. البته طرح چنین پرسش هایی به روش های هرمنوتیک بسیار نزدیک است. این نزدیکی از آن جهت که «خود» موید حضور شخصیت اصلی داستان است، اجتناب ناپذیر است. به عنوان نمونه: به جای پرسش « معنای آن جمله چیست؟» بهتر است اینگونه پرسیده شود « چه کسی دارد سخن می گوید؟» ضرورتا باید پرسید « چگونه گفته شده؟ » به همین خاطر در قسمت نخست توجه بیشتری به راوی، جنس و نوع حضور او خواهد شد.

[جنس خود]

انتخاب راوی با جنسیتی زنانه فارغ از تمایلات خود خواسته ی نویسنده، علی الظاهر انتخابی فراتر از تفاوتهای جنسی نشان می دهد. این‌طور می توان گفت که حضور زن؛ بیانگر تمایل به تحول است. سیاست این گونه نوشتارها زاییده مقاومت در برابر تأویل و تعریف عام است یعنی همان سلطه ی فرهنگی که از یک سو برخی را حذف می کند واز سوی دیگر به برخی اجازه ی مشارکت می دهد. هستی این گونه نوشتار ها برون روی از کلیشه هاست، فراروی از هر آنچه که سوژه را منفعل و اخته می خواهد و زن به عنوان سوژه ای که به قول لکان «وجود ندارد» به بهترین شکل می تواند این مهم را انجام دهد. در چنین رویکردهایی؛ معمولا زمانی زن به ظهور می رسد که ادبیات نمادین قادر به بیان واقعیت نباشد. در واقع اینطور می توان گفت سلطه ی جهانشمول و کلیت طلب با حضور زن به تعلیق در می آید و گسستی در محور تک صدایی وضع موجود ایجاد می کند، همچون پاساژی که زبان نمادین را به چالش می کشد و خود را از چیدمان فرهنگ می رهاند. این طور می توان گفت: راوی داستان تخم پوچ زن است، چون باید زن باشد. زنی که نامش صحراست، کسی که وضعیتی همچون معنای اسمشدارد، بی بار، مایوس و دل زده، شخصیتی که در لحنش اصرار بر دوگانگی دیده می شود. تقابلی میان آنچه هست و آنچه باید باشد؛ ایجاد فضایی موقت، خلسه وار و خواب آلود تا در خود فرو برود و از خود و درگیری های پیرامون حرف بزند.

[درون خود]

مارسل دوشان اعتقاد دارد:» «خود» همواره دوگانگی ست. هم از درون شکافته و هم از برون دو تا شده. در این میان «من» عنوانی می‌شود جهت برپایی فرایند نظام نشانه ای خویش می شود.» در توضیح چنین تقابل های دو گانه ای اینطور می توان گفت که راوی زنی ست که در طول داستان همچون تصویری منجمد دست به روایت می زند و از افکارو گذشته ای پریشان صحبت می کند. قرار گرفتن چنین تصویر منجمدی و کنار تصوری پویا، آغازگر پارادوکس «خود» است. برای توضیح چگونگی دوگانگی میان راوی و روایت، به نقل قولی از ساد می توان اشاره کرد: « همین¬که بدن با گذار از وضعیت زندگی به آن چه نام مسمای مرگ را دارد تحرکش را از دست می دهد و درست از همان لحظه ی به خصوص به انحلالش میل می ورزد؛ با این حال خود انحلال وضعیت بسیار برجسته ای از تحرک است.» صحرا نیز در تقابل وضع پیش رو میل به انحلال خویش دارد، انحلالی اجباری زیرا توان تغییر وضع موجود را ندارد. وضع موجود یعنی مجموعه مواردی که او را به چنین جایی رسانده و راهی جز مرور تصورات و ذهنیات درونی برایش باقی نمی گذارد و در نهایت به جزیره ای پا میگذارد که متعلق به درون است.

حجم بزرگی روی آب است. از قایق پیاده می شوم پا می گذارم روی جزیره سوخته. خس خس خاکستر زیر پام. شاخه ی باریک سوخته گوشه پلک مرا می درد. خون پوست صورت مرا گرم می کند. بوی خوت و خاکستر بیشترمی شود. تکه ای از پیراهن مرا می درم ومی چسبانم پشت پلکم.

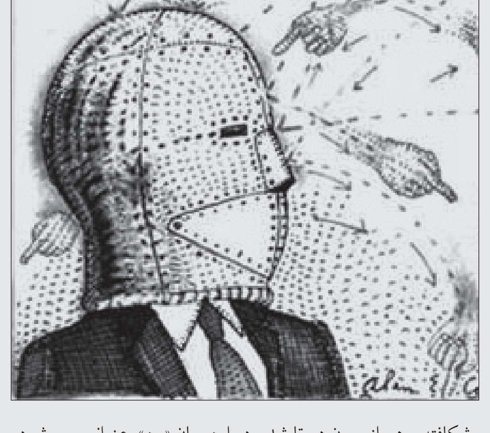

[مسیر خود]

مایه ی دیگری در بدنه ی تایپ شده ی روایت وجود دارد که مسیر «خود» در بدنه روایت را نشان می دهد. اینطور می توان گفت که در نتیجه؛ با راوی ای کنشگر روبرو نیستیم و اینطور پاسخ داد:به این علت که او در قامت شخصی توصیف گر حضور دارد. نگرشی توصیف گر که باکمترین میزان تحرک جسمانیتها به بیان وقایع اکتفا می کند. نکته ای که ظاهرا می تواند نقطه ضعفی برجسته در داستان شمرده شود. اما قبل ازهرگونه نتیجه گیری در مورد ضعف و یا قوت احتمالی، بنظر بایستی به توضیح آنچه که توصیف گر نامیده شد پرداخت. بدون شک در چنین توضیحی دکارت نقش اول را ایفا می کند. جهان توصیفی دکارت یعنی همان جهانی که انسان اندیشه گر به آن می نگریست، وصفش می کرد و در نهایت مدعی که چون می اندیشم پس هستم. صحرا نیز چنین رویکردی دارد، او نیز شخصی توصیف گر است که در جستجوی هستی خویش است. اگر در ادامه توضیحات شخصیت توصیف گر به اندیشه ی کسانی همچون هایدیگر، آرنت ویا مارسلنیز رجوع کنیم. آن زمان توصیف گری وسعت بیشتری پیدا می کند. آنجایی که هایدیگر سخن از در قاب زیستن انسان می کند:»آن زمان طبیعی ست که به انسانی گفته شود که در قاب زندگی می کند.» یا آرنت که از جامعه ی اتمیزه شده حرف می زند و گابریل مارسل که داد جهان در هم شکسته را دارد. تمام این تعاریف وجودگرا در پی این هستند تا بگویند: زمانی که کنش ها را قانون و اجتماع تعریف می کند، آدمی راهی به جز بازگشت به توصیف انسان یا جهانی که قبلا می شناخته نخواهد داشت. مسیر چنین «خودی» مشوش است و فضایی دلهره آور دارد و فردی که در جستجوی وجود واقعی خویش گام بر می دارد دچار باز تعریف خواهد شد و صحرا با اتخاذ نگاهی همچون» آنتوان رو کانتن» از هر آنچه اطرافش حضور دارد دچار تهوع شده و دلزدگی از فضای کنونی او را تبدیل به موجودی مایوس و دلسرد مبدل ساخته. در نتیجه چنین فضایی ست که هرگونه کنش بی معنا و لبریز از دلزدگی است و موجودی که قصد دارد در بطن این بی معنایاز خود سخن بگوید، راهی جز زیر و رو کردن گذشته برایش نخواهد ماند.حالاتی که نتیجه آن نشان می دهد: صحرا (راوی) آشفته است. چنین نگرشی با آن چیزی که روانشناسی امروز به آن درونگرایی می گوید مرتبط است که در مورد شخص عبارت است از روی آوردن به خویش و نه به واقعیت بیرونی. ازاین رو صحرا با گذری کابوس وار و بدون اتخاذ ترتیبی خاص به بیان وقایع می پردازد که در روانشناسی به آن «افکار سیاه» گفته می شود. در حقیقت، همه چیز در داستان به گونه ای رخ می دهند تا افکار دلهره آور، خود را تحمیل می کنند.

در بابِ «چرا رسیدن»ام به «خواندیدنی»ها

مهرداد فلاح

«شعر پیشرو » ، «شعر رادیکال» ، «شعر متفاوت » ، «شعر دیگر» و ... این نام ها که بارها در نوشته های از شعر و درباره ی شعر این سال های ما تکرار شده ، چه می خواهد بگوید با ما ؟

آیا این میل به نام گذاری ، فقط به دوره ی ما منحصر می شود و این که شعر فارسی در یکی –دو دهه ی گذشته ، ماجراهای بسیاری را پشت سر گذاشته و درگیر مرز شکنی و نوجویی بوده ، زمینه ساز برآمدن این برچسب های متعدد بوده ؟ من می گویم آری و نه . دم و دنباله ی درازتری هم دارد این بازی .مگر نه این که بیش از هزار سال پیش ، فرخی سیستانی چنین گفته : سخن نو آر که نو را حلاوتی ست دگر ! و از یادمان نمی رود که شعر امروز فارسی ، فرزند خلفِ ناخلف ترین شاعر ایرانی ، نیما یوشیج است .

من می گویم شعر خلاق ، یک فرآورده ی «گسسته – پیوسته» است . گسستگی دارد از آن چه پیش از آن بوده به نام شعر ؛ چراکه ظاهر و باطنش نو شده . پیوستگی دارد به شعری که از بطن آن سر برآورده . می گوید : تازه ام ! و این تازگی را در آینه ای اعلام می کند که همانا شعر مرسوم و به روال می شود خواندش . مقیاس این ادعا ، فرق بین «این» و «آن» است دیگر . تازه باید با کهنه سنجیده شود .

کهنگی در شعر البته از لونی دیگر است . شعر خوب ، کهنه هرگز نمی شود . کنار گذاشتنی نیست . پیر می شود ، ولی نمی میرد . در هنر هیچ اثری اثر دیگر را تصرف نمی کند . اما نمی شود که شعرِ امروز شبیه شعر دیروز باشد . قیافه عوض می کند شعر در هر دوره و سیاقِ زیستنش هم جور دیگری می شود . این ها همه بدیهی ست . عجیب وقتی ست که ناگهان چنان ریخت غریبی به خود می گیرد شعر که در برخورد های اول ، به تردید می افتیم در شعر نامیدنش . این جاست که غوغا به پا می شود و شعر ما در دهه ای که پشت سر گذاشته ، از این غوغاها کم نداشته ...

نونویسی به گمان من دلبخواهی نیست . نمی شود اراده کرد و یا خواب نما شد و کبوتری از آستین شعبده پر داد . هزار دست در کار است این جا . زمانه باید بخواهد و زندگی فَرمان دهد . از کوزه ای که مولف ، همان تراود که در اوست و او گاهی که شاعر می شود ، تن هاست نه یک تن .

پیش خیلی آمده که شعر در دوره ای هیچ موجی ، توفانی به خود نگرفته . چرا ؟ آیا هرچه شاعر که در آن دوره ، نازا و سترون بوده ؟ آیا میل کسی به سویی نرفته اصلن که نو بخواهد ؟ من می گویم چرا ، ولی همان «هزار دست» این جا بی کار بوده لابد که کارستانی پیش نیامده در شعر .

می لرزند برخی همیشه
برخی همیشه شلوغند
همیشه برخی بر می گردند

شیپور می گوید : مرزها را برای شکستن کشیده اند ... !

منی که این ها را می نویسد این جا ، خودش هم می داند که اهل خطر است در شعر . خطرِ گران خطه ی شعر ، هماره گرم شکستن مرزهایند . نرم نوشتاری و فرم دیداری شعر نو که شود ، لاجرم پای نام تازه پیش کشیده می شود . نام البته که قاب است و قاب هم هی ... خوب که نیست . شعری که توی قاب برود ، درآوردنش از قاب (نام) مصیبت است . شاعر خلاق و خطر پذیر ، از قاب می گریزد .

عیب بزرگ منتقدان کله گنده ی دهه ی چهل ، این بود که شاعر را سیخ می زدند برای رسیدن به زبان خاص در شعر . شاعر صاحب سبک ، شکی نیست که زبان ساز و زبان باز است . زبان توی شعر چنین شاعری ، دهان است و شاعر از دهانِ زبان است که فواره می زند . شکی نیست ! ولی چه سود که شاعران بزرگ پشت سر ، همه در دام خودشان افتادند . بیشر می گویم .

شاعر مگر آدم نیست ؟
آدم مگر همیشه یک جور است ؟
من بیست ساله با من چهل ساله فرقی نمی کند ؟

باورم چنین است که شاعر در هردوره ی شعری اش ، اگر که سبک و زبان و بیانش عوض نشود ، مرده است . مثال دلخواهم در این زمینه (گیرم که نقاش) ، پابلو پیکاسو ست : هنرمندی چند سبکه و چند چهره !

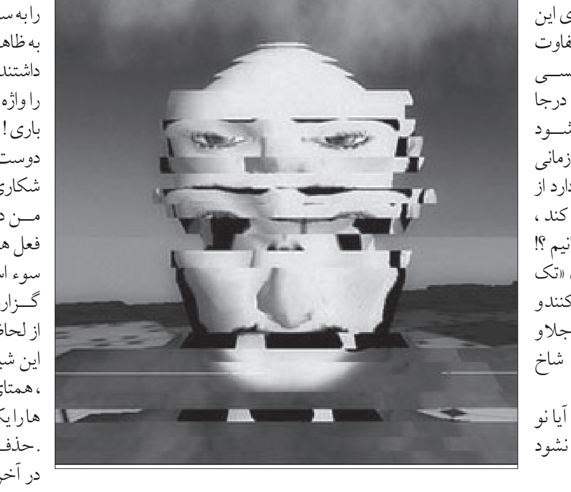

طبیعی نیست که مهرداد فلاح (مثلن) ، امروز همان جور شعر بگوید که ده سال پیش . من می گویم اگر شاعر ، از این کتاب تا آن کتابش ، سبکش را نتواند نو کند ، دیگر شایسته ی این نیست که او را «پیشرو» یا متفاوت نویس یا رادیکال یا ... بنامیم . کسی را که در جاپای دیروزش درجا می زند امروز ، چه گونه می شود «پیشرو» خواند ؟! شاعری را که زمانی «دیگرنویسی» می کرد و حالا دارد از دست خودش «رونویسی» می کند ، انصاف است که پرچمدار بخوانیم ؟! بگذریم از آن کسان که همان «تک سبک»شان را هم نتوانستند ثبت کنند و آن دیگر کسان که شعرشان هیچ جلاو جرقه ای ندارد و دادشان بلند : ... شاخ دارم به هوا !

و نکته ای دیگر : شدنی ست آیا نو شود چیزی ، قیافه اش ولی نو نشود ؟ می شود ؟

نام تازه اگر خواهی ، جان و جمال تازه بیاور شاعر !

۲

«کلاغ» که قارقارش را پَر از دهان من داد ، پَر به جایی کشیدم که «جا»یی نبود : به مغاکی که خودم !

بازی بامزه ی لحن ها و صداها و دهان ها در دارم دوباره کلاغ می شوم ، آن قدر جذبه داشت که تا همیشه ی یک شاعر را برای خودش بردارد . من یکی ولی اهل آشنا نیستم زیاد ! شعر را با مچ گیری اش بیشتر دوست دارم تا با ناز و نوازشش . همین که بر می گشتم به آشنا ، دلم برای غریبه غنج می زد . غریبه البته که ترس دارد و ترس البته که قند !

قند خواهیِ من تمامی ندارد انگار !

برگشتم به خودم و از خودم در آمد با شاخ و دم و سمی که ... داشتم خانه تکانی می کردم یا خانه خرابی ؟ نمی دانم .

در کلاغ ... شاید بیرونی تر و طنازتر بودم و اندککی ترش و تلخ شاید توی از خودم . این جا درونی تر و شاید هم ... من یکی در شعر از خودم ، جاپایی از چهار دهان و یک نگاه می بینم . تو چی ؟

سویه های هستی شناسیک و تاکید بر چه و چه گونه و چرا و چه طور ، به ویژه در بخش دوم کتاب چهار دهان و ... نمود زیر پوستی تری در از خودم دارد انگار . چند صدایی و مرکز گریزی و تخریب – ساختی که نخست در شعر بلند چهار دهان و یک نگاه اتفاق افتاد ، این جا نیز هست ، ولی آغشته به رعشه ها و تیک های عصبی !

در از خودم بود که معجزه ی برش خور بودن زبان فارسی را دریافتم . برخی گزاره های این کتاب که قیافه یِ یک گزاره ی نرمال را دارند ، خیلی آبزیرکاه تر از این که هستند ، هستند . دو – سه تا جمله جوری به هم گره خورده اند در یک جمله که آدم فقط می تواند همزاد کلاسیکش را در سعدی بجوید . در برخی شعر های همین کتاب بود که چشمم رو به دریچه ی تازه تری هم باز شد . ناگهانیِ حضور کمانه (پرانتز) ها در نقش هایی نامعمول ، گزاره ها را چاق و چله تر می کرد و می شد با نخواندن کلمه یا جمله ی در کمانه ، گزاره ی مادر را به سویی دیگر برد . گاه این جمله های به ظاهر معترضه ، تاکید های طنز آمیزی داشتند و حتا در جاهایی می شد این ها را واژه ها و ادات عاطفی دانست ...

باری !

دوست من در چه کاری ؟
شکاری ؟

من در دارم دوباره کلاغ می شوم ، از فعل ها در نقش پاشنه و پاگرد و مفصل سوء استفاده ها کرده ام که حاصلش گزاره هایی جوان ، پویا و پرحرکت و از لحاظ موسیقایی تند و تپنده است . این شیطانک زبانی ، در کتاب از خودم ، همتای دیگری پیدا کرد که می شود آن ها را یک دو قلوی ناقلای زبانی هم نامید . حذف های بی قرینه ی لفظی یا معنوی در آخر گزاره ها هم گاهی همان نقش را بازی می کند . این حذف ها (من می گویم : حذف به قرینه ی مَنوَی !) سبب شده است کلماتی در جایگاه موسیقایی قافیه بنشیند که اصلن قیافه ی قافیه ندارد !

خب ، آقا کلاغه خیلی شلوغ کرد و این وسط ، یواشکی پنیر از خودم را قاپید و یک لقمه ی چپ کرد . نوش جانش ! قار قار کلاغ حرف ها برانگیخت در اهل شعر و وقتی نوبت به از خودم شد ، چو افتاده بود که فلاح جذام دارد و هر که به شعرش بزند انگشت ، بو می گیرد دستش !

اما آن چه حالا در این کارها می بینید ، در کتاب بعدی ام (اولین کارم در دهه ی هشتاد) بریم هواخوری ریشه دارد . بریم هواخوری شش شعر بلند و چند شعر کوتاه در بغلش دارد که هم در شعر روایی فارسی حرف های دیگری برای گفتن دارد هم در قلمرو شعر کالیگراف . این جا علاوه بر کمانه ها ، فلش ها هم (به ویژه در شعر (ارگ م(جنو)ن) در کار معنازایی اند . فلش ها گاه دم و دنباله ی کمانه هاست و همان نقش را هم بر دوش می گیرد و گاه هادی نگاه خواننده می شود به بندی دیگر از شعر . این دم را اگر بگیری ، می رسی به جایی ، جاهایی که نگو و نپرس !

خلاصه ، این طورها بود که دیدم (و چه دیدنی !) می شود یک شعر نوشت و چند و چندین شعر برداشت ! نه مگر هر گزاره ی شعری ، فراروی از گزاره ی تک منظوره ی عادی ست ؟ و هر چه از تک به چند ، بیشتر شعریم ؟ پس هر امکانی که پای رسیدن ما را به «چند» ، توان تازه ای دهد ، خوش امکانی ست . و اسبی که چارپاست ، دیدم که دارد هزارپا می شود انگار . و ترس برم داشت . ترس که برم داشت ، دیدم که قندآلوده ام تمام !

و «این رمیده» بَرم داشت یکسره . دیدم شعری مرا می سراید که نمی شناسمش اصلن .

هیجان آمد / هر چه کودکانه را برداشت / ریخت از سرسره ها پایین ! دیگر دیگری شده بودم . غریبه بودم همه ! فرم های زبان ساخته آمد به سراغم و سراغم را مگر از زبان بپرسید .

بپرسید!
ببینید!
بگویید!
بشنوید!
بخوانید!
خواندیدنی ام من!

۳

نام شاعر را اگر از پیشانی شعر برداریم ، چه می شود ؟ این صندلی در خور افتادن است ، نه نشستن ! مثل زیستن که پیامدی دارد ، شاعری کردن هم . انگار که نوشتن شعر کافی نیست . از شعر نویسی لازم . می نویسم (نمی نویسم) ! این کیست که می نویسد ؟ من ! من چیست ها ؟

دروغ نیست اگر بگویم شعر نویسی ، «من» نویسی ست : منی که نام نیست (جن یا هر چه) . مهرداد فلاح دارد از چرایی و چه گونگی خواندیدنی هایش می نویسد ؟ نه گمانم . خواندیدنی هایی که چند تایی ش را این جا می بینید ... نه ، می خوانید ... نه ، می خوابینید ... نه ، می بیخوانید (می بینید ! محال است از شعر گفتن) ، اول کاری که کرده ، نوشتن و ساختن یک مولف «دیگر» است که آن مولف دیگر (مهرداد فلاح) را به همان زادگاهش در دارم دوباره کلاغ می شوم دیپورت کرده انگار و یا به از خودم ؛ همان گونه که شعرهای کلاغ ، آن یکی مهرداد را به چهار دهان و یک نگاه . مولف دیگری هم هست که در بریم هواخوری ساخته شده و همخونی بیشتری با این آخری دارد شاید . من این طور گمان می کنم . من کیست ها ؟

و خنده دار این که همه ی این ها یک نام دارند : مهرداد فلاح !

این دیگر چه جور اداره ی ثبت احوالی ست ؟

ثبت احوال که هیچ ، اداره ی ثبت نام هم نیست . چیست پس ؟

چه می دانم ؟!

حرف همین است لابد : چه می دانم ؟! ولی با « چه می دانم » و « نمی دانم » که کار پیش نمی رود . کدام کار ؟

دوم کاری که کرده این شعر ها « پلکان شکنی » ست . کلاسیک و نیمایی و سپید و حجم و موج و ... همه روی پلکانی ایستاده بودند که وقتی خواننده می خواست بخوانَدشان ، چاره ای نداشت جز این که از پله ی اول به دوم و از دوم به سوم و ... برود . راه و تعداد گام ها از پیش معین شده بود . این جا اول شعر و ... آن جا آخر بود . اول و آخری ندارد «خواندیدنی» . دارد ؟

سه دیگر آن که صورت روایی در این شعرها طور عجیبی عوض شده انگار . انگاری در ژن این ها دست برده اند . سازمان ژنتیکی دیگری دارند . وقتی اول و آخری در بین نباشد ، روایت با کدام پا راه می رود ؟ نمی دانم ! یکی سر از دهان من (من ؟) در می آورد همین حالا و می گوید : خوابیننده می تواند (اگر که دلش خواست) پلکانش را بیاورد این جا و به کارش بگیرد . جلوش در می آیم که : این جوری ولی سخت می شود کارش . چند پلکان نیاز دارد و با یک دست مگر چند پلکان می شود برداشت ها ؟ خلاصه این که این جا مختاریم (مجبوریم ؟) همزمان به چند «زمان و «مکان» روایی گام بگذاریم . بگذاریم ؟ یکی در می آید از توی من می گوید : کوبیسم در شعر که شاخ و دم ندارد ! می گویم : کوبیسم که مال عهد بوق است رفیق !چهارم این که گفته بودم و بودند انگار : یک شعر می نویسم و چند بر می دارم . چند می نویسد و یک بر می دارد . یک چند می نویسم و چندین یک بر می دارم . چندین و چند این جا ، جایی ، جای ها می سازند ...

پنج این که «شما» در این شعر ها مولف است / اید .

شش ...
هفت...
هشت...
نه ... ده ... قصه ی «ما « به سر رسید / کلاغه به خونه ش نرسید !

جایزه‌ی شاملو: تقلب، سهل‌انگاری یا بی‌خردی

سعید اسکندری

من مدعی نیستم که باید جایزه‌ی شعر شاملو نصیبِ من می‌شد. من همه‌ی کتاب‌ها را نخوانده‌ام. چه بسا آرتور رمبوی دیگری در میان شرکت کنندگان بوده است و من بی خبرم. اما از آنجا که کتاب من در دور مقدماتی حذف شده است می توانم آن را با کتاب اول مقایسه کنم اگر نیمی از آنچه را که من گفته ام کسی بپذیرد این کتاب نباید از دور مقدماتی بالا می آمد. بله من کتاب خود و کتاب برنده‌ی مسابقه شاملو یعنی کتاب آبیز را که دیده‌ام و درست است که سنجش شعر را متر و معیاری دقیق و ریاضی وار نیست اما بی متر و معیار مطلق هم نیست و با هر متر و معیاری که بسنجیم کتاب آبیز یک دهم کتاب من هم نمی‌شود و از آنجا که کتاب من از دور مقدماتی بالا نیامده است کتاب آبیز که از آن به مراتب ضعیف تر است اصلا نباید به دور نهایی می رسید تا چه رسد به کسب مقام اولاما اینکه چه نیرویی آبیز را به مقام اول این مسابقه رسانده است خودپرسش‌مهمی‌است.نیست؟

اگر من اشتباه میکنم اگر من یک فیس بوکی دهن گشاد هستم و دچار توهم شده‌ام کسی مرا با دلیل و برهان متقاعد کند. و چه خوب است که داوران مسابقه به‌دفاع‌ازگندی‌که‌زده‌اندبرخیزند

مکثی بر ویکتور سرژ

خسرو بنایی

عجیب دلم گرفت از خواندن مقاله «فرو ننشسته « از سوزان سانتاگ ، دادنامه ای برای ویکتور سرژ که هم انقلابی هم نویسنده و هم شاعر بود . به پنج زبان حرف می زد و انبوهی از نوشته ها که امروز نه چاپ می شود و نه خوانده. او نمونه تیپیکال روشنفکر جهان وطن بود . با اینکه در بروکسل بدنیا آمد اما یک روس تمام عیار محسوب می شد . در اوایل انقلاب اکتبر روسیه در محاصره پطروگرادبرای اولین بار در ۲۸ سالگی شرکت کرد . مسئول بخش جوانان کمینترن (سازمان جهانی انترناسیونال اول) بود . در فرانسه آنارشیست و. در اثرهمکاری با آنها محکوم به پنج سال حبس انفرادی شد. پس از آزادی به آنارشیست های سندیکالیست اسپانیا پیوست مجددن به فرانسه برگشت و در اواخر ۱۹۱۷ پانزده ماه زندانی شد . در دوران استالین از تروتسکی حمایت کرد . ۱۹۲۷ از حزب بلشویک اخراج و بعد دستگیر شد . با وساطت آندره ژید و رومن رولان از زندان آزاد و روسیه را ترک کرد . او هفت رمان ، دو مجموعه شعر و یک مجموعه داستان و در حدود سی کتاب و سه زندگینامه سیاسی و صدها مقاله و رساله نوشته و اگر سانتاگ در باره او نمی نوشت چه بسا هرگز او را نمی شناختم . شاید اگر تنها به ادبیات تعلق داشت نامی دیگر پیدا می کرد . ولی کنجکاوی امروزم تنها به خاطره خواندن مصاحبه از اکتاویوپاز شاعر مکزیکی ست که اشاره کرد در اوایل دوران جوانی تحت تاثیر ویکتور سرژ و بنژامین پروه بودم . مقاله سانتاگ برای آنها که علاقه ای به سیاست انقلابی قرن بیستم ندارند جذاب نیست ، اما بحث او در مورد شخصیت پر ماجرا ویکتور سرژ ابعادی دیگر دارد. پدیده قرن بیستمی یک انقلابی و روشنفکر که به قول سانتاگ به ناموجه ترین شکل ممکن ، بر امیدواری اصرار داشت و دلبسته انقلاب بود .سانتاگ می نویسد : سرژ چون انسان درستی بود ، به عنوان نویسنده آثار ادبی تنبیه شد. حقیقت تاریخ آثار ادبی را مغلوب کرد ؛ گویی شخص ناگزیر از انتخاب بین این دوست ...